پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۱۳۵-۱۵۵ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 53, Autumn & Winter 2026/ 2027

تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در خصوص پیشنهاد تصحیح واژه «حَصَب» در آیه ۹۸ سوره انبیاء

زهرا نوروزی[۱]، مجید معارف[۲]، سید احمد میریان[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹)

چکیده

جیمز اندرو بلمی، خاورشناس آمریکایی نویسنده مدخل "نقد متنی قرآن" در دایرة المعارف قرآن لایدن است. او ادّعا نموده که پژوهندگان مسلمان و برخی محقّقان غیر مسلمان، تمایلی به کشف خطا و رفع آن در متن قرآن نداشته‌اند و در بخشی از مدخل آورده که کلمه درست جایگزین برای واژه "حَصَب" در آیه ۹۸ سوره انبیاء، "حَطَب" است. موارد ادّعایی بلمی برای جایگزین نمودن کلمه "حَصَب" با "حَطَب"، شامل استناد او به قرائت برخی صحابه، عدم افاده معنای هیزم در کلمه "حَصَب" و پیشنهاد "حَطَب" با استناد به آیات ۱۵ سوره جنّ و ۴ سوره مسد و وقوع خطای نگارشی در تغییر حرف "ط" به "ص"، است. در نقد این ادّعاها، به موضوع عدم توجّه بلمی به مقوله تعدّد لهجه و کیفیت تکلّم و قرائت تصریفی برخی صحابه و غفلت از بحث ظرائف لغوی و مبانی زبانشناسی و شمول معنائی در رهیافت به مفهوم واژه، ثبت قرآن در سینه‌ها پیش از درج در مصاحف، روایت صورت نگارشی قرآن از سوی معلّمان و مقریان متقدّم و وجود ساختار نوشتاری کلمه "حَصَب" در نسخ رسم الخطّی اوّلیه قرآن کریم، پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: بلمی، اصلاح متن، حَصَب، حَطَب، تحلیل انتقادی، دائرة المعارف قرآن لایدن.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛ z.noroozi@iau.ir
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ maaref@ut.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛ Sydahmdmyryan387@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۱. بیان مسأله

جیمز اندرو بلمی، در مدخل "نقد متنی قرآن" دائرة المعارف قرآن لایدن، اظهار می‌دارد که محقّقان مسلمان و بیشتر پژوهندگان غیرمسلمان، تمایلی به کشف خطا و اصلاح و برطرف نمودن آن در متن قرآن نداشته‌اند و اگر این اصلاح و تصحیح، به خوبی صورت پذیرد؛ نتیجه آن، نسخه تجدیدنظر شده‌ای خواهد بود که به متن اصلی نزدیک‌تر است. لذا در پایان بحث، جهت اصلاح برخی کلمات قرآن، واژگانی پیشنهاد نموده است. او در بخشی از مدخل مذکور، آورده که واژه "حَصَب" آیه ۹۸ سوره انبیاء، باید "حَطَب" خوانده شود و "حَصَب"، به معنی هیزم نبوده و کلمه "حَطَب"، به این معنا، در قرآن آمده است. بر طبق بررسی‌ها، تاکنون ارزیابی جامع و همه جانبه‌ای در قبال ادّعاهای جیمز بلمی برای بازنگری و تصحیح واژه "حَصَب" در مدخل "نقد متنی قرآن" دائرةالمعارف قرآن لایدن، صورت نپذیرفته و سوال مهم در این مقاله آن است که دلایل بلمی در جایگزینی واژه "حَصَب" با "حَطَب"، حول چه موضوعاتی متمرکز بوده و چه نقدهایی بر این استدلال‌های او وارد می‌باشد؟ لذا نوشتار حاضر در صدد است تا ضمن بررسی محورهای دیدگاه بلمی برای تعیین واژه جایگزین کلمه "حَصَب" در آیه ۹۸ سوره انبیاء، اشکالات این محورها را احصاء و تحلیل انتقادی نماید.

۲. مقدّمه

پیش از تحلیل مطالب ادّعایی بلمی، به چند نکته مقدّماتی اشاره می‌شود:

۲-۱. اهمّیت آشنایی و تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان

مطالعات قرآنی و فهم صحیح واژگان و آیات قرآن کریم، از دغدغه‌های اصلی عالمان مسلمان بوده و در این راستا، آثار گرانسنگ و فاخری، به جهان اندیشه، عرضه شده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

این موضوع، شرق شناسان را بر آن داشته؛ تا با شناسایی ظرائف و نکات بلند متن قرآن، رویکردهای ویژه و بعضاً متمایز و چالش برانگیز در محافل علمی، اتّخاذ کرده و ضرورت پاسخگویی به این چنین شبهه آفرینی‌ها را، بیش از پیش، در اذهان متفکّران مسلمان، زنده نمایند. در میان این شبهات، بحث ایجاد تردید در وحیانی بودن قرآن از سوی مستشرقان، با نقد کلمات و تغییر واژگان آن گره خورده است. لذا با چنین تفکّر و رویکردی، تحریف و دگرگونی متن قرآن، امری لازم و در مواردی، بدیهی تلقّی می‌شود که می‌تواند پایه‌های اعتقادی پیروان اسلام را نشانه رود. در نتیجه؛ آگاهی از خاستگاه و زمینه‌های فکری، نوع نگرش، برداشت و روش‌های مواجهه خاورشناسان نسبت به متن قرآن کریم، حائز اهمّیت بوده و وظیفه تحلیل و نقد عالمانه و منصفانه اینگونه موضع‌گیری‌ها را، برای پژوهندگان و اندیشمندان مسلمان، قطعی و مسلّم می‌سازد.

۲-۲. جیمز بلمی و ادّعای نقد متنی قرآن کریم

جیمز اندرو بلمی، استاد اسبق دانشگاه میشیگان و از نویسندگان مداخل در دایرةالمعارف قرآن لایدن، به سرپرستی جین دمن مک اولیف است. او از مشهورترین مدّعیان "نقد متنی" و "اصلاح و نقد متن قرآن" به‌شمار می‌آید. همچنین ایشان، مقالاتی در مجله انجمن خاورشناسی آمریکا منتشر نموده که چند نگاشته وی، به نقد واژگان قرآن اختصاص یافته است. برآیند و یکپارچگی این دسته از آثار و نوشتارهای او، به ایجاد مدخلی تحت عنوان "نقد متنی قرآن" در دایرة المعارف قرآن لایدن انجامیده که ناظر بر لزوم تصحیح و بازنگری متن قرآن و جانشینی برخی از کلمات آن، با واژگان پیشنهادی وی می‌باشد. بلمی معتقد بود؛ با چنین رویکردی می‌توان به متن اصلی نزدیک شد و ادّعا نموده که در پیشنهادات و ارائه تصحیحات خویش، از قواعد وضع شده محقّقان کلاسیک شناس متابعت نموده و برای مقبولیت تصحیح و بازنگری، به مؤلّفه‌های بهتر شدن معنا، هماهنگی با سبک قرآن، توجیه پذیر بودن به لحاظ کهن خطّ‌شناسی و نمایانگری چگونگی وقوع تحریف در وهله نخست،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

که مهم‌ترین این‌ها، معیار معناشناختی بوده، توجّه داده است.

۲-۳. پیشینه و جنبهٔ نوآوری

از نظر بلمی، کلماتی در قرآن، ناصحیح نگاشته شده و او، واژگان جایگزینی را، پیشنهاد داده است. پژوهشگران نیز، برخی آراء او را نقد نموده‌اند. به عنوان نمونه؛ در کتاب "اعتبارسنجی نقد متن در مطالعات قرآنی مستشرقان با تأکید بر رویکرد جیمز بلمی و لوکسنبرگ"، اثر نفیسه امیری دوماری و همکار، به مقوله نقد متن قرآن و طرز تفکّر بلمی پرداخته شده است[۱]. حسام امامی دانالو، در دو مقاله "تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی درباره واژه اعراف" و "مراجعه نقدیه لنظریات جیمز بلمی فی القرآن الکریم"، با تبیین کلّی دیدگاه بلمی درباره موضوع، مواضع ضعف و نادرستی استدلال او را ذکر کرده است[۲]. زهرا نوروزی و همکاران، در مقاله با عنوان "تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در مورد واژه جایگزین برای لغت "الجبت" در آیه ۵۱ سوره نساء"، به ردّ شبهات مطرح شده از سوی بلمی برای واژه مذکور، پرداخته‌اند[۳]. محمّدتقی فاضلی، در مقاله "تحلیل انتقادی دیدگاه اصلاحی جیمز بلمی درباره واژه‌های "أبّاً"، "لَمَّا" و "جِبت"، دلایل بلمی در مورد لزوم تغییر این سه واژه در قرآن را، از سه منظر اساسی، بررسی و نقد کرده است[۴]. مقاله "تحلیل انتقادی دیدگاه اصلاحی جیمز بلمی درباره واژه "جِبت" با رویکرد تفاسیر فریقین"، اثر باقر ریاحی‌مهر، تردید آفرینی بلمی برای کلمه "جبت" را از منظر تفاسیر فریقین بررسی

---

[1] امیری دوماری، نفیسه، و مریم، سلگی بی جا، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، چاپ اول، ۱۴۰۲ش.

[2] امامی دانالو، حسام، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره۲۸، شماره سوم، پیاپی۱۰۰، ۱۴۰۳ش و امامی دانالو، حسام، العلوم الإنسانیه الإسلامیه، المجلّد ۲، العدد ۴، ۱۴۴۶ق.

[3] نوروزی، زهرا، مجید، معارف و سید احمد، میریان، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۴، ۱۴۰۳ش.

[4] فاضلی، محمد تقی، قرآن پژوهی(قرآن و مستشرقان)، سال ۲۰، شماره ۳۸، ۱۴۰۴ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

نموده است[۱]. مقاله

"Critique and Analysis of James Bellamy's Views in the Article "Some Proposed Amendments to the Text of the Koran"

به قلم علیرضا نجات بخش و همکار، دیدگاه‌های بلمی در مورد چند واژه قرآن را نقد کرده است[۲]. بابک فرزانه نیز در نوشتار "حصب جهنّم: بررسی معنا شناختی واژه "حصب" در قرآن"، ادّعای بلمی در مجله انجمن خاورشناسی آمریکا برای واژه حصب، که به صورت مقاله‌ای مشتملّ بر تغییر و نقد تعدادی از کلمات قرآن کریم، انتشار یافته را، با مراجعه به برخی لغت نامه‌ها و تفاسیر، بررسی نموده است[۳]. در مقاله "بررسی یکسان پنداری "شعیب" در قرآن و "اشعیاء" در کتاب مقدس "به قلم سهیلا جلالی کندری و همکار، ادّعای بلمی در عنوان مذکور به نقد کشیده شده است[۴]. رباب شاهمرادی و همکار، با مقاله "نقد و بررسی کلمات پیشنهادی جیمز بلمی در آیات ۵۲ حج و ۳۲ عبس"، نظر بلمی را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند[۵]. محمّدجواد اسکندرلو و همکار ایشان، در نوشتار "بررسی مقاله "الرقیم و الرقود" جیمزای بلمی"، ادّعای وی در مورد واژه "الرّقیم" را نقد کرده‌اند[۶]. احمد میرزایی و همکاران نیز مقاله‌ای تحت عنوان "نقد و بررسی سندی و دلالی روایت امیرالمؤمنین مبنی بر وجود اغلاط متنی در قرآن کریم" را در پاسخ به تردید آفرینی بلمی برای واژه "طلح" آیه ۲۹ سوره واقعه، به رشته تحریر در آورده‌اند[۷]. فاطمه ناصر معدلی و همکار، در مقاله "بررسی انتقادی اصلاح واژه "اترک" در سوره دخان توسط جیمز بلمی" به موارد خطای بلمی در جایگزینی واژه "انزل" به جای کلمه "اترک"

---

۱. ریاحی‌مهر، باقر، دو فصلنامه مطالعات تفسیر تطبیقی، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، ۱۴۰۳ش.

2 .Nejat Bakhsh, Alireza and Davod, Esmaeili, Linguistic Research in the Holy Quran, Vol. 12, No. 2, 2023.

۳. فرزانه، سیدبابک، صحیفه مبین، شماره۴۹، ۱۳۹۰ش.

۴. جلالی کندری، سهیلا و مهدیه، کیان مهر، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲۲، ۱۳۹۸ش.

۵. شاهمرادی، رباب و سید مجید، نبوی، مجله بین‌المللی درک چند فرهنگی و چند دینی، جلد ۶، شماره ۳، ۲۰۱۹م.

۶. اسکندرلو، محمدجواد و محمدمقداد، امیری، دو فصلنامه علمی ـ ترویجی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ششم، شماره۱۰، ۱۳۹۰ش.

۷. میرزایی، احمد، مجید، معارف و بهزاد، حمیدیه، مجله علمی پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال پنجاه و سوم، شماره۲، ۱۳۹۹ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

پرداخته‌اند[۱]. نفیسه امیری دوماری با مقاله "تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در ارتباط با قرائت واژه "أُمّه"، ادّعای بلمی برای تغییر این واژه را مردود معرفی می‌کند[۲]. همین طور ایشان و همکار، در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل انتقادی اصلاح واژه ابّ در قرآن توسط جیمز بلمی" به نقد لغت پیشنهادی بلمی برای جایگزینی با کلمه "أَبّاً" در آیه ۳۱ سوره عبس می‌پردازند[۳]. غلامعلی جزینی و همکار، در مقاله "تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی درباره آیه ۸۸ سوره زخرف" به خطای بلمی در جایگزینی واژه برای لغت "وَ قِیلِه" اشاره نموده‌اند[۴]. عبدالهادی فقهی‌زاده و همکار نیز با مقاله "مسجّل؛ پیشنهادی ناصحیح و غیرعالمانه"، رأی بلمی برای پیشنهاد لغت جایگزین واژه "سجلّ " در سوره انبیاء را نادرست و غیرکارشناسانه قلمداد کرده‌اند[۵]. مقاله "نقد مناقشات متنی خاورشناسان درباره سه آیه آخر سوره قارعه: از ادّعای افزونه بودن تا قرائت جدید" با نگارش محمّد سعید بیلکار و همکاران، ادّعای تحریف یا تصحیف خاورشناسانی همچون بلمی در مورد آیه ۹ سوره قارعه را ارزیابی و تحلیل نموده است[۶].

برطبق جستجوی صورت گرفته، تاکنون، دیدگاه بلمی در مدخل "نقد متنی قرآن" دایره المعارف قرآن لایدن برای واژه "حَصَب"، مورد ارزیابی انتقادی واقع نشده و این نوشتار، با روشی تحلیلی- توصیفی، بر آن است تا ضمن بررسی آراء بلمی برای کلمه مذکور، به ادّعاهای او در این خصوص پاسخ دهد. شایان ذکر است؛ مقاله به قلم سید بابک فرزانه در مورد این واژه، ناظر بر بررسی بخشی از ادّعای بلمی در مقاله مجله انجمن خاورشناسی

---

۱. ناصر معدلی، فاطمه و مجید، معارف، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هجدهم، شماره۳۵، ۱۴۰۲ش.

۲. امیری دوماری، نفیسه، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفدهم، شماره۳۳، ۱۴۰۱ش.

۳. امیری دوماری، نفیسه و جعفر، نکونام، قرآن شناخت، سال دوازدهم، شماره اول پیاپی ۲۲، ۱۳۹۸ش.

۴. جزینی، غلامعلی و حسن، رضایی هفتادر، دوفصلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۴۰۱ش.

۵. فقهی‌زاده، عبدالهادی و حسام، امامی دانالو، دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۴، ۱۳۹۳ش.

۶. بیلکار، محمدسعید، محمدجواد، ورادی اصفهانی و نهله، غروی نائینی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۲، ۱۴۰۲ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

آمریکا و متوجّه بُعد معناشناسی کلمه بوده و مقاله حاضر، علاوه بر بررسی بیشتر جوانب معنایی آن، به دیگر موارد اظهار شده از سوی بلمی در دائرة المعارف قرآن لایدن برای واژه "حصب" نیز پرداخته است.

۳. ادّعای بلمی درباره واژه "حَصَب"و تغییر و اصلاح آن به "حَطَب" در قرآن

یکی از واژه‌هایی که جیمز بلمی در مدخل "نقد متنی قرآن"، واقع در صفحات ۳۷۰ تا ۳۸۷ جلد پنجم ترجمه دائرة المعارف قرآن، پیشنهاد به اصلاح آن داده، کلمه "حَصَب" بوده و صحیح آن را در آیه ۹۸ سوره انبیاء، "حَطَب" می‌داند. دلایل او برای پیشنهاد کلمه "حَطَب" که در صفحه ۳۷۵ این کتاب آمده، عبارتند از:

۳-۱. استناد بلمی به قرائت برخی صحابه چون ابیّ بن کعب برای تأکید بر لزوم تصحیح واژه «حَصَب» به «حَطَب»

بلمی معتقد است در تایید و همراهی با بیان ابیّ بن کعب، واژه "حَصَب" در آیه ۹۸ سوره انبیاء، باید «حَطَب»، که به معنای هیزم است، خوانده شود. او می‌نویسد: "حَصَب: هیزم. بخوانید " حَطَب"، همراه با ابیّ بن کعب".

۳-۲. ادّعای بلمی در مورد نارسایی معنای هیزم از واژه «حَصَب» و پیشنهاد لغت «حَطَب» به جای آن، با استناد به آیات ۱۵ سوره جنّ و ٤ سوره مسد

برطبق دیدگاه بلمی در مورد آیه ۹۸ سوره انبیاء، کلمه «حَصَب»، رساننده معنای «هیزم» نیست و «حَطَب»، به این مفهوم، در آیات ۴ سوره مسد و ۱۵ سوره جنّ آمده و در آیه ۹۸ سوره انبیاء نیز، کلمه صحیح، «حَطَب» است. آن‌جا که آورده: "در آیه ۹۸ انبیاء، "حَصَب" نمی‌تواند به معنای "هیزم" باشد؛ "حَطَب" به این معنا در آیات ۴ مسد و ۱۵ جنّ آمده است."

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۳-۳. ادّعای بلمی در خصوص وقوع خطای استنساخی در تغییر حرف «ط» واژه «حَطَب» به حرف «ص» واژه «حَصَب»

به‌زعم بلمی، خطای نگارشی «حَصَب»، به دلیل حذف خط عمودی حرف «ط» واژه "حَطَب" به قلم نگارنده و نسخه بردار ایجاد شده که به «ص» و نتیجتاً کلمه "حَصَب" انجامیده است. وی اشاره می‌کند: "اشتباه ناشی از حذف خط عمودی طاء به دست نسخه‌بردار است که آن را به صاد تبدیل کرده است."

٤. نقد دیدگاه جیمز بلمی در مورد پیشنهاد جایگزینی لغت "حَطَب" به جای کلمه "حَصَب" در قرآن

بررسی رویکرد بلمی نسبت به واژگان قرآن، خطای تحلیلی او در اقامه دلایل برای تغییر کلمات آن را روشن می‌سازد. لذا ادّعاهای وی در مورد ناصحیح بودن کلمه "حَصَب"، با محورهای زیر، نقد و ارزیابی می‌گردد:

٤-۱. نقد استناد بلمی به قرائت ابیّ بن کعب برای تغییر واژه «حَصَب» به «حَطَب»

برای پاسخ به این بخش، تفحّص در شخصیت و ویژگی‌های قرائت ابیّ بن کعب و نکات مرتبط با آن، حائز اهمیت خواهد بود. اُبَیّ بن کعب بن قیس از قبیله بنی عمروبن مالک نجار، از انصار و پیشگام آن‌ها در اسلام است. وی پیش از اسلام که کتابت میان عرب اندک بود، نوشتن می‌دانست و از کاتبان وحی، معروف به «سیّد القرّاء» که قرآن را بر پیامبر(ص) عرضه کرده و ملقّب به «سیّد الانصار»، بوده است. (نک : محمّدبن سعد، ۴۹۸/۳، ذهبی، ۱۸/۱، حاکم نیشابوری،۳۴۱/۳، ابن عربی، ۵۴۵.). با بررسی قرائت ابیّ بن کعب، به حسب ظاهر، تفاوت‌هایی با مصحف رایج مشاهده می‌شود که عوامل مهمّ ایجاد آن را می‌توان در اختلاط تفسیر با نصّ قرآن، اجتهادات شخصی، اختلاف لهجه و کیفیت تکلّم، ارزیابی و شناسایی کرد. نکته دیگر این‌که؛ علّت عمده این تفاوت‌ها، به اضافات تفسیری بر می‌گردد که در مقام فهم مخاطب، ارائه شده است. (نک : رجبی قدسی و همکاران، ۱۳۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

یعنی این اختلاف‌ها، تفسیر و توضیح صحابه بوده که بعضاً ممکن است، راوی آن‌ها را جزء آیه تصوّر نموده باشد؛ مانند افزودن عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى» به آیه ۲۴ سوره نساء: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَ قَالَ هَذِهِ قِرَاءَهَ أُبَيٍّ بن كَعب. (نک: سجستانی، ۵۳، حاجی اسماعیلی، ۵۰). واژه «حصب» نیز در قرائت متفاوت ابیّ بن کعب، با علّت تعدّد لهجه و کیفیت تکلّم، مورد توجّه لغت شناسان و صاحب‌نظران حوزه اختلاف قرائت واقع شده است. «ابن جنّی» در «المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات»، ضمن اشاره به خوانش «حَطَبُ جَهَنَّمَ» ابیّ بن کعب از آیه ۹۸ سوره انبیاء، به این موضوع که «الحضب» و «الحصب» هردو به معنی «الحطب» هستند، توجّه می‌دهد. (نک: ابن جنّی، ۶۷/۲، رجبی قدسی و همکاران، ۱۳۲). در حقیقت، لهجه‌های گوناگون عرب، چه در عصر پیامبر اسلام(ص) و چه در دوره‌های بعد، بر قرائت قرآن اثر گذاشته و این امر، اهمیت توجّه به نزول این کتاب شریف، تنها بر یک لهجه که فصیح‌ترین آن‌ها است را دو چندان می‌کند و اگر کسی به خطا، لهجه‌ای غیر از اصیل آن را منشاء فهم خود از قرآن قرار دهد می‌بایست به اصل بازگردد. در واقع؛ برای قاریان و کسانی که خود به آن نوع لهجه و گویش، قرآن تلاوت می‌نموده‌اند، اختلاف قرائت، صدق نمی‌کرده، لکن بعدها این گوناگونی گویش، به عنوان چندگونه بودن قرائت و اختلاف قرائات معنا پیدا کرده است. (نک: نصیری، ۷۵، معرفت، ۲۶/۲). ضمن اینکه باید در اینجا به قرائت تصریفی[۱] در عهد نبوی و قرائات اینگونه صحابه در آن دوره نیز، توجّه شود. این روش، در صورتی که اصل قرآن، در ذهن و قلب قرآن آموزان، به عنوان ساخت‌های پایه زبان‌آموزی قرآن تثبیت شده باشد، ارزشمند است؛ چرا که پیامبر، امّت را به فراگیری و مداومت بر قرائت سوره‌ها به شکل درست و کامل توصیه می‌فرمود. (نک: رجبی قدسی و همکاران، ۱۳۳). سبک بیان تصریفی، روابطی بینامتنی را در خود جای داده که زمینه

۱. تصریف از ماده "صرف"، در لغت به معنای برگرداندن، خواه برگرداندن مطلق یا برگرداندن از حالتی به حالتی دیگر، یا تبدیل چیزی به غیر از خود است. در بیان و تعریفی جامع می‌توان گفت که تصریف، برگرداندن و دوباره آوردن و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است. (نک: راغب اصفهانی، ۴۸۲، طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۲۸/۱۳). قرائت تصریفی نیز از این الگو تبعیت می‌کند و گستره آن، به صورت حلقه‌های کلامی در سراسر قرآن کریم می‌باشد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

شکل‌گیری روشی در فهم و تفسیر قرآن که به تفسیر قرآن به قرآن شناخته می‌شود را فـراهم می‌آورد. بنابراین برای درک زبان قرآن، توجّه به این سبک تصریفی در سـه حـوزه کلمـات، آیات و سوره‌ها حائز اهمّیت است. قرآن آموزان عصر پیامبر اسلام (ص)، نخست به صـورت ناخود آگاه، این گسترش را در قالب قرائات مختلف انجام مـی‌دادنـد و در ادامـه ایـن رونـد، شاهد گستره‌ای از تصریفات قرآنی در قرائات صحابه هستیم، به گونه‌ای که از آیه‌ای بـه آیـه دیگر و از سوره‌ای به سوره دیگـر منتقـل مـی‌شـدند و کلمـات و آیـات و سـور را در هـم می‌آمیختند؛ در عین حال که مطابق تعالیم نبوی، مقیّد بودند که اصل قرآن را به درستی ضـبط و حفظ و تثبیت ذهنی نمایند و با نظارت پیامبر اکرم، متن آیات و سور را بی‌هـیچ افزونـی و کاستی، گردآوری و جمع و سامان دهی کنند. در نتیجـه، قرائـات تصـریفی، مبـیّن پویـایی و زایایی زبان قرآن بوده و صحابه آن را به صورت مزجی با آیات قرآن کـریم، یـا بـه گونـه‌ای جدید که برگرفته از ساختار زبان قرآن باشد، به کار می‌بردند. یعنی در قرائات قاریـانی نظیـر ابیّ بن کعب، کلمات، جملات و عبارات توضیحی، تفسیری و تصریفی آنان به صورت مزجـی و در لابه‌لای عبارات و فرازهای قرآنی یافت می‌شود و در چگونگی و نحوه قرائات ایشـان، این رویه گزارش شده است و این امر، با وجود اصل واژه قرآنی در درون آیه، هـیچ مناقـاتی نداشته و صرفاً در راستای درک، تبیین و تفهیم بهتر مخاطبان ذکر می‌گردید. (نکـــ : انصـاری مقدّم و همکاران، ۱۳، طباطبایی، سیّدکاظم و همکار، ۶۵ و ۷۵، رجبـی قدسـی و همکـاران، ۱۱۹ و ۱۳۳). عدم توجّه جیمز بلمی به این مباحث، سبب ایجاد ذهنیت لـزوم بـازنگری واژه "حَصَبُ" با استناد به سبک بیانی ابیّ بن کعب در آیه ۹۸ سوره انبیاء شده است. همین طـور، با دقّت در نحوه بیان بلمی، مشخّص می‌شود که این‌گونه ادّعایی او، به خوانش ابیّ بـن کعـب برمی‌گردد و هیچ موردی از اختلاف در مکتوبات قرآنی در عصر پیامبر، به دست نمـی‌دهـد. (نکـ : حاجی اسماعیلی، ۴۷). لذا اصرار بلمی به تصحیح کلمه، با ارجاع او به قرائت ابـیّ بـن کعب و شباهت نگارشی "ط" و "ص"، پایه و اساس درستی برای استدلال ندارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

٤-۲. نقد ادّعای بلمی در مورد عدم افاده معنـای هیـزم از واژه «حَصَـب» و لزوم جایگزینی «حَطَب» با استناد به آیات ۱۵ سوره جنّ و ٤ سوره مسد

برای دریافت معنای واژه «حصب»، رجوع به کتب ارباب لغت متقدّم و شارحان و مفسّران با رویکرد بلاغت، کمک‌کننده خواهد بود. این واژه در العین فراهیدی اینگونه آمده: «الحَصَب»: الحطب للتّنور أو فی وقود مادام غیر مستعمل للسّجور فلایسمی حصبا (نکـ : فراهیدی، ۱۲۳/۳-۱۲۴).

و یا در تهذیب اللّغه ازهری، قید شده: «... فمعنی قوله: حصب جهنّم‌ای یُلقَونَ فِیهَا کَما یُلقَی الحَطَبُ فِی النّارِ و قال الفرّاء: الحصب فی لغه اهل نجد: مَا رَمیتَ به فی النّارِ» (نکـ : ازهری، ۱۵۳/۴).

که از نمونه‌های ذکرشده، همان معنای هیزم در آتش یا آتش‌گیره برای تنور و پرتابه در آتش به دست می‌آید.

از میان تفاسیر به عنوان نمونه، در تفسیر مقاتل بن سلیمان بیان شده است: «... وَ مَا تَعبدُونَ مِن دونِ الله حَصَبُ جهنّمَ یعنی رمیا فی جهنّم ترمون فیها...» (نکـ : مقاتل بن سلیمان، ۹۳/۳). که به پرتاب به جهنّم اشاره می‌کند.

در معانی القرآن ابوزکریا یحیی بن زیاد فرّا آمده است: «قوله حَصَبُ جَهنّمَ ذکر ان الحصب فی لغه اهل الیمن الحطب» و نیز آورده که امام علی(ع) و عائشه آن را حطب خوانده‌اند و همچنین ذکر کرده که ابن عباس آن را «حَضَب» خوانده است. آنگاه آورده: «کلّ ما هیِّجَت به النّار أو أوقدتها به فهو حضب». (نکـ : یحیی بن زیاد فرّاء، ۲۱۲/۲. و نیز: نکـ : طوسی، ۲۸۰/۷، طبری، ۷۴/۱۷).

در صفحه ۲۴۶ تفسیر غریب القرآن ابن قتیبه ذکر شده: «حصب جهنّم ما ألقی فیها و اصله من الحصباء و هی الحصی... و اسم حصی الحجاره: حصب». (نکـ : ابن قتیبه، ۲۴۶).

در تفسیر کشّاف زمخشری، حصب به معنای محصوب آمده و در ادامه به معادل‌سازی آن با واژه «الرّمی» به مفهوم پرتاب کردن اشاره نموده است. ضمن اینکه وی ذکری از خوانده شدن این واژه به صورت «حطب» و «حضب» هم کرده است. (نکـ : زمخشری، ۱۳۶/۳).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

نویسنده مجمع البیان هم علاوه بر اشارات فوق، معتقد است؛ اصل «حصب» به معنی انداختن بوده و مراد این است که کافران و بت‌ها مانند سنگریزه که سوخت و هیزم جهنّم خواهند شد، به داخل آن ریخته می‌شوند و شعر «اعشی» را نیز ذکر می‌کند که می‌گوید:

فلاتک فی حربنا محصبا　　لتجعل قومک شتی شعوبا

(نکـ: طبرسی، ۱۰۰/۳-۱۰۲)

همچنین صاحب کتاب "التّحریر و التّنویر" آورده است: «وَ الْحَصَبُ: اسْمٌ بِمَعْنَى الْمَحْصُوبِ بِهِ، أَيِ الْمَرْمِيِّ بِهِ. وَ مِنْهُ سُمِّيَتِ الْحَصْبَاءَ لِأَنَّهَا حِجَارَةٌ يُرْمَى بِهَا، أَيْ يُرْمَوْنَ فِي جَهَنَّمَ، كَمَا قَالَ تَعَالَى: وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجارَةُ» (البقرة، ۲۴) «أَيِ الْكُفَّارُ وَأَصْنَامُهُمْ» (نکـ: ابن عاشور، ۱۵۳/۱۷).

وی به کلمه «حصب»، به معنای آنچه پرتاب می‌شود و واژه «حصباء»، به مفهوم سنگ‌هایی که به جهنّم پرتاب می‌شوند، اشاره و کلام خدا را یاد نموده که فرمود: «وَقُودُهَا النّاسُ وَالْحِجارَةُ» (البقره، ۲۴)، یعنی کافران و بت‌هایشان.

طباطبایی در تفسیر المیزان، پس از ذکر معانی آتش‌گیره و هیزم برای این واژه، اشاره می‌کند که برخی آورده‌اند: اصل این کلمه به معنای هر چیزی است که در آتش افکنده شود. پس معنایش اعّم از آن دو است. (نکـ: طباطبایی، سیدمحمّدحسین، ۳۲۷/۱۴).

با جمع آراء فوق، مشخّص می‌شود که «حصب» در این آیه، انداخته شده در آتش است، خواه سنگریزه باشد یا هیزم و اصرار بلمی مبنی بر اینکه لزوماً واژه «حطب» می‌تواند مفهوم هیزم را برساند، منطبق با افاده معنای آیه ۹۸ سوره انبیاء نیست. وی به سادگی از ظرائف لغوی و مبانی زبانشناسی مورد توجّه ارباب لغت و مفسّران، عبور کرده و این از اتقان رأی وی می‌کاهد. (نکـ: فرزانه، ۱۰۹). بنابراین تقیّد بلمی به تغییر و بازنگری کلمات قرآن که خود در مقاله «نقد متنی قرآن» مجله انجمن خاورشناسی آمریکا، از آن به اعتیاد تعبیر می‌کند، سبب چنین برداشتی شده است. او حتّی با منتقدان این شیوه که قائل به این هستند که نقد متنی یک بیماری است، به شدّت مخالفت نموده و معتقد است که امثال او، زمانی که احساس می‌کنند که مجبورند متنی را که معنی ندارد، اصلاح کنند و اگر این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

کار را با دقّت و روشی معقول انجام دهند، ممکن است متن اصلی را بازیابی کنند، شایسته قدردانی همه کسانی هستند که از آن استفاده می‌کنند. یعنی وی بنا بر برداشت خود از معنای کلمات قرآن کریم، مبادرت به نقد و اصلاح می‌کند. (نک: Bellamy, "Textual criticism of the Koran", P. 1). نکته مهمّ اینجاست که او تمام این اقدامات صورت گرفته برای تصحیح را، با «اگر» و«محتمل بودن» پیوند می‌زند. لذا اتقان و اطمینان، از کلام و ادّعای اصلاح او برنمی‌خیزد، ضمن این که احتمالات او و حتّی عدم آگاهی مفسّران از معنا و مفهوم واژه‌ای در قرآن، دلیلی منطقی برای استنتاج این مطلب که کلمه در متن قرآن ناصحیح است، نمی‌باشد.

در بُعد دیگر؛ جیمز بلمی، شاهد مثال‌هایی از حضور واژه «حَطَب» پیشنهاد شده خودش، در میان آیات قرآن می‌آورد. او به آیات ۴ سوره مسد و ۱۵ سوره جنّ اشاره کرده است. اگر از این منظر، به موضوع پرداخته شود، برای واژه «حَصَب» نیز مشتقّاتی در قرآن کریم دیده می‌شود. و بررسی مشتقّات واژه «حَصَب» در قرآن هم کمک کننده خواهد بود. کلمه حاصب، ۴ بار در قرآن به معنی باد ریگ افشان آمده است. (نک: جوهری، ۱۱۲/۱؛ طبرسی، ۳۲۰/۹). آیات و سور آن در قرآن عبارتند از: العنکبوت، ۴۰؛ القمر، ۳۴؛ الملک، ۱۷ و الاسراء، ۶۸ و در هرکدام از آن‌ها، اثر و نمودی از عذاب خداوند برای جاهلان و کافران بوده که در الفاظ طبیعت، جلوه‌گری کرده است. فلذا طبری آورده که بر آن‌ها سنگ‌هایی از آسمان می‌بارد و آن‌ها را هلاک و نابود می‌کند. (نک: طبری، ۶۶۹/۱۴). مکارم شیرازی نیز ذکر می‌کند که «حاصب» به معنی طوفانی است که در آن سنگریزه‌ها به حرکت درآیند و منظور از این گروه، قوم عاد است که طبق سور ذاریات، حاقّه و قمر، طوفان بسیار شدید و کوبنده‌ای در مدّت هفت شب و هشت روز بر آن‌ها مسلّط شد و محلّ اقامت و خانه‌های آن‌ها را در هم کوبید و جسدهایشان را همچون برگ‌های پاییزی به اطراف پراکنده نمود. (نک: مکارم شیرازی، ۲۷۳/۱۶).

از واژه «یخسف» آیه ۶۸ سوره اسراء، این‌طور برمی‌آید که با توجّه به کاربرد کلمه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

"خسوف"، برای پنهان شدن قرص ماه و پوشیدگی آن به ظلمت و سایه، مفهوم و معنای دفن و پنهان شدن کافران در زیر سنگ‌ریزه‌ها و شن‌های عذاب که با وزش باد و طوفان و حمل و پرتاب این ریگدانه‌ها ایجاد می‌شود، مجسّم می‌گردد. (نک: طباطبایی، ۱۵۴/۱۳، مکارم شیرازی، ۱۹۱/۱۲-۱۹۲).

بلمی، در بحث معناشناسی توصیفی رابطه «ریح» با واژه‌های دیگر و تأثیری که بر معنی آن گذاشته‌اند، به محور شمول معنایی (Hyponymy)، توجّه و دقّت ننموده است. زیرا «ریح» برای «حاصب»، واژه شامل و کانونی محسوب گردیده و کلمه «حاصب» نیز زیر مجموعه و زیرشمول «ریح» شمرده شده و با آن در یک طبقه قرار گرفته و از این خانواده به حساب می‌آید و این نوعی هم آیی در طبقه‌ای خاص است و رابطه مذکور هم میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول برقرار می‌شود. لذا نه تنها لغتی مهجور نیست بلکه ارتباط موضوعی با آیه مورد بحث هم دارد. (نک: طبری، ۶۶۹/۱۴، قربانی و همکاران، ۳۶).

اگر از منظر ارتباط معنایی واژگان اشتقاق اکبر در قرآن، به موضوع توجّه شود، وقوع ابدال در «حصی»، «حصب» و «حطب» قابل اعتنا و توجّه است. «حصی» که به معنی سنگریزه است در این معنای اولیه خود، در قرآن به کار نرفته امّا در معنای عدد کثیر که به سبب کثرت، به سنگریزه تشبیه شده و از همین طریق، فعل "احصا"، به مفهوم شمارش و عدد آمده؛ در قرآن کریم به کار رفته است. در آیه ۹۴ سوره مریم، مصدر «عدّ»، مفعول مطلق فعل «احصا» قرار گرفته است. (نک: ازهری، ۶۹/۱).

در قسمی دیگر، زمین خشک مفروش با سنگریزه را "حصب" و "محصّب" گویند و بادی که سنگریزه با خود آورد نیز "حاصب" خوانند که در آیه ۳۴ سوره قمر، در قرآن کریم ذکر شده است. (نک: فراهیدی، ۱۲۴/۳، ازهری، ۱۵۳/۴). در ادامه این تطّور، آنگاه که سنگریزه به خاک بدل شده و آبگیر و آباد شود، «حضب» و «حضیب» خواهد بود و هرگاه اثر آب در آن نمود یافته و ظاهر باشد، «خاضب» یا «خضیب» گفته شده و اگر سبزی در آن هویدا شود «خضر» خواهد بود که در قرآن کریم، آیه ۶۳ سوره حجّ لفظ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

«مُخضَرَّه» به کار رفته است. (ابن منظور، ۳۵۹/۱).

از سویی، «حصب» از حیث خشکی، به معنای«حطب» نیز هست و «حَضَب» نیز گفته شده است و منظور، قرار دادن هیزم در آتش میرا است تا از نو برفروزی نماید. (ابن منظور، ۳۲۱/۱؛ جوهری، ۱۱۳/۱). در قرآن کریم، دو واژه «حصب» و «حطب» برای بیان آتش زنه جهنّم و در سیاق‌هایی نزدیک به هم در آیات ۹۸ سوره انبیاء، ۱۵ سوره جنّ و ۴ سوره مسد، به کار رفته‌اند. (نکـ : خوش منش و همکار، ۲۰۷).

قابل توجّه این که؛ به اذعان بلمی در مقاله‌اش با عنوان «برخی از اصلاحات پیشنهادی در متن قرآن» که در مجله انجمن خاورشناسی آمریکا منتشر شده، به نقل از «حاییم رابین» در اثرش با نام «عربی غربی کهن»، آمده که «חסאב = hasabh» عبری در اشعیا (۱۰، ۱۵)، به صورت اسم فاعل«hosebh»، به عنوان خرّاط یا چوب بُر و خرد کننده با تبر یا هیزم‌شکن، ذکر شده است که این نوعی همانند یابی در متن کهن یا بررسی متون مقدس پیش از قرآن محسوب می‌شود. (نکـ : Bellamy ,"Some Proposed Emendations to the Text of the Koran", P.564. و نیز (نکـ : Rabin, P. 26.).

این عبارات، در پی می‌آید:

*اشعیاء (۱۰:۱۵):

«امّا خداوند می‌فرماید: آیا تبر به خود می‌بالد که قدرتش بیش از هیزم شکن است؟ آیا ارّه خود را بالاتر از کسی می‌داند که ارّه می‌کند؟ یا عصا انسان را بلند می‌کند یا انسان عصا را ؟»

*اشعیاء (۱۰:۱۶):

«خداوند قادر متعال بر جنگاوران تنومند پادشاه آشور بلایی خواهد فرستاد تا آنها را ضعیف و نحیف کند و مانند آتش آنها را بسوزاند».

*اشعیاء (۱۰:۱۷):

«خدای پاک که نوراسرائیل است همچون شعله آتش در یک روز همه چیز را مانند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

خار و خس خواهد سوزاند.»

بنابراین عدم دقّت بلمی در معانی «انداختن و افشاننده» و نیز «آتش‌زنه جهنّم»، سبب ادّعای استبعاد مفهومی از سوی وی برای واژه «حصب» در قرآن شده است و این در حالی است که واژه «حطب»، این معانی را توأمان نمی‌رساند.

٤-٣. نقد ادّعای بلمی در خصوص وقوع خطای استنساخی در تغییر حرف «ط» واژه «حَطَب» به حرف «ص» واژه «حَصَب»

شباهت نوشتاری «ص» و «ط» دلیل قاطعی برای اثبات این که واژه «حصب» در آیه ۹۸ سوره انبیاء، «حطب» بوده، نیست. بلمی مدّعی است که خطای نگارشی رخ داده؛ حال آن‌که پیش از درج در مصاحف، قرآن در سینه‌ها ثبت و حفاظت شده و از حافظه ها و نه از مکتوبات، انتقال یافته است. (نکـ: رجبی، رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها، ۱۹، احسانی و همکاران، ۴۹). واژه نامأنوسی نیز در آیه یافت نمی‌شود؛ چرا که مشتقّات آن در سور دیگر قرآن کاربرد داشته که به آن اشاره شد. نکته حائز اهمّیت دیگر اینکه، سیر تحوّل خطّ عربی کهن تا به امروز نیز، مورد توجّه و مداقّه صاحب نظران هنری و علم رسم المصحف بوده و مطابق این علم، کتاب قرآن، مستند به روایت است و معلّمان و مقریان، صورت نوشتاری قرآن را نیز روایت می‌کردند. (نکـ: قدّوری الحمد، ۵۵۹ و ۶۵۱، سزگین، ۳۵/۱-۳۷).

بنابراین شباهت نوشتاری برخی حروف زبان عربی و یا حتّی خطای احتمالی برخی نسخه برداران در طول تاریخ، دلیلی برای تردید در واژگان قرآن نبوده و عمدتاً دیدگاه جیمز بلمی، مبتنی بر غیر وحیانی بودن قرآن، سبب این گونه تشکیک آفرینی‌ها از سوی او شده است. همچنین وی دلیلی از این قصور استنساخ، به غیر از فرضیه شباهت «ص» و «ط» نیاورده؛ امّا نسخ کهن خطّی، از وجود این واژه حکایت دارند و بلمی نیز در مقدّمه مقاله خود در دائره المعارف قرآن لایدن، به توجیه پذیر بودن به لحاظ کهن خط شناسی، در فرآیند تصحیح قابل قبول، توجّه می‌دهد امّا عملاً این مقوله را نادیده می‌گیرد. سندی از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

وجود این واژه؛ نسخه‌هایی است که در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود و قرآن خطّ کوفی با قدمت یابی قرن اوّل و دوم هجری را در خود جای داده که برآورد تاریخ آن، با کمک آزمایش کربن ۱۴ و با احتمال ۹۵/۴ درصد اعلام شده است. (نکـ: https://corpuscoranicum.de/)

نمونه‌ای از این مجموعه، در ذیل، که حکایت کننده از ثبت درست واژه "حَصَب" است، برای ردّ فرضیه خطای استنساخی ادّعا شده از سوی بلمی سودمند خواهد بود.

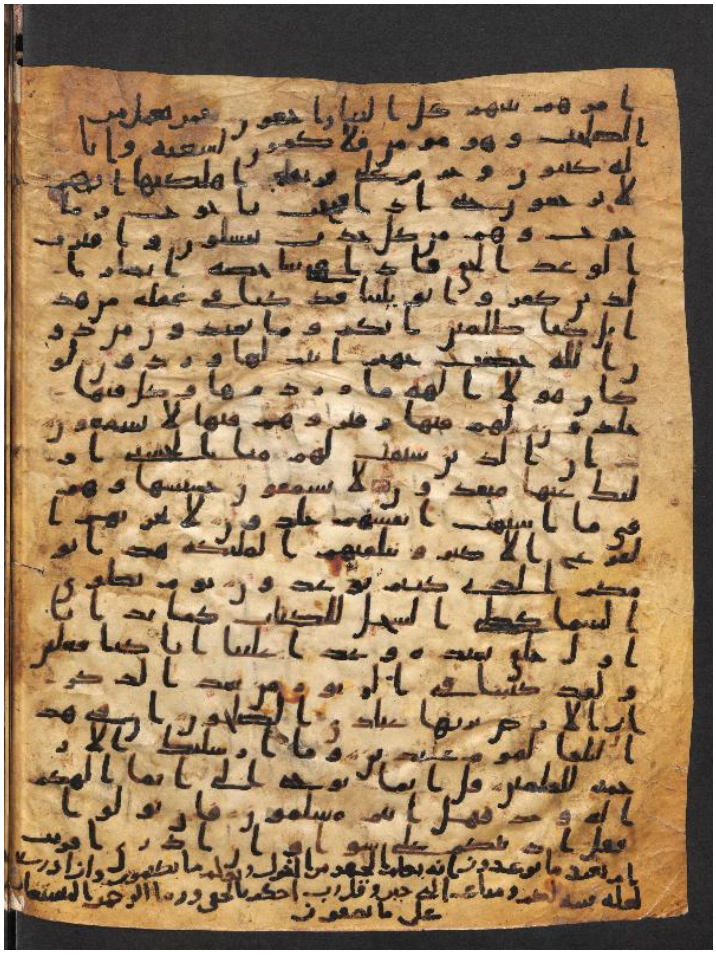

نتایج مقاله

۱. نحوه استناد بلمی به قرائت ابیّ بن کعب برای تلفّظ واژه "حَصَب" به صورت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

"حَطَب" در آیه ۹۸ سوره انبیاء، به دلیل عدم توجّه بلمی، به موارد اختلاط تفسیر با نصّ قرآن، اجتهادات شخصی، تعدّد لهجه و کیفیت تکلّم، قرائت تصریفی و تمایز بحث خوانش با مکتوبات قرآن، از اتقان و ارجاع منطقی، برخوردار نیست. همچنین؛ "حَضَب" و "حَصَب"، هر دو به معنی "حَطَب" هستند.

۲. "حَصَب"، معنایی فراتر از هیزم دارد و مفهوم انداخته شده در آتش میرا، برای از نو برفروزی را می‌رساند. لذا بلمی به ظرائف لغوی و مبانی زبان شناسی مورد توجّه علمای حوزه تفسیر و واژه شناسی قرآن و حتّی شعر کهن عرب در این مورد و موضوع شمول معنایی در بحث معناشناسی کلمات، دقّت ننموده و از همانند یابی این واژه در متون مقدّس پیش از قرآن، که خود او در مقاله "برخی از اصلاحات پیشنهادی در متن قرآن"، به اشعیاء (۱۰:۱۵) اشاره کرده، به سادگی عبور نموده است.

۳. شباهت نوشتاری "ص" و "ط"، دلیل قاطعی برای اثبات نادرستی واژه "حَصَب" و جایگزینی آن با "حَطَب" در قرآن نیست و این ناشی از تشکیک بلمی در وحیانی بودن قرآن کریم است. قرآن، پیش از مصاحف، در سینه‌ها ثبت و حفاظت شده بود و کلمه "حَصَب"، واژه نامأنوسی برای خطّاطان نبوده؛ زیرا مشتقّات آن در قرآن آمده و صورت نوشتاری قرآن هم، از سوی معلّمان و مقریان متقدّم، روایت شده است. عدم توجّه بلمی به نمونه‌های نسخ کهن نگاشته شده قرآن با قدمت‌یابی قرون اول و دوم هجری قمری که با تست کربن ۱۴ و احتمال ۹۵/۴ درصد شناسایی گردیده نیز مطرح است. زیرا این نسخ، بر وجه نگارشی فعلی، یعنی کلمه "حَصَب"، منطبق و همخوان است و جای تردیدی باقی نمی‌گذارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. تورات، سایت جامع پژوهش‌های حقوق و ادیان، www.Bjes.ir
۳. ابن جنّی الموصلی، ابوالفتح عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الإیضاح عنها، قاهره: وزاره الأوقاف، المجلس الأعلی للشئون الإسلامیه،۱۴۳۰ق.
۴. ابن سعد، محمّد، الطّبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه،۱۴۱۰ق.
۵. ابن‌عاشور، محمّد، الطّاهر، التّحریر و التّنویر، تونس: الدّارالتونسیه للنّشر، ۱۹۸۴م.
۶. ابن عربی، محمّدبن عبدا...، قانون التأویل، بیروت: دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم،۱۹۹۰م.
۷. ابن قتیبه دینوری، ابومحمّد عبدا... بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ق.
۸. ابن منظور، محمّد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دار صادر،۱۹۹۸م.
۹. احسانی، کیوان، محمّد، دهقانی و افسانه، کوهرو، نقد آرای مختلف در خصوص رسم الخطّ قرآن کریم، پژوهش دینی، شماره ۴۲، صص. ۳۷-۷۲، ۱۴۰۰ش.
۱۰. ازهری، محمّد بن احمد، تهذیب اللّغه، بیروت: دار إحیاء التّراث العربی،۱۴۲۱ق.
۱۱. اسکندرلو، محمد جواد و محمد مقداد، امیری، بررسی مقاله "الرقیم و الرقود" جیمز بلمی، دو فصلنامه علمی ـ ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، سال ششم، شماره۱۰، صص. ۹۷-۱۲۵، ۱۳۹۰ش.
۱۲. امامی دانالو، حسام، تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی درباره واژه اعراف، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره۲۸، شماره سوم، پیاپی۱۰۰، صص. ۱۱۷-۱۳۶، ۱۴۰۳ش.
۱۳. همو، مراجعه نقدیه لنظریات جیمز بلمی فی القرآن الکریم، العلوم الإنسانیه الإسلامیه، المجلّد ۲، العدد ۴، صص.۳۱-۴۴، ۱۴۴۶ق.
۱۴. امیری دوماری، نفیسه و جعفر، نکونام، تحلیل انتقادی اصلاح واژه ابّ در قرآن توسط جیمز بلمی، قرآن شناخت، سال دوازدهم، شماره اول پیاپی ۲۲، صص.۴۳-۵۶، ۱۳۹۸ش.
۱۵. همو، تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در ارتباط با قرائت واژه امّه، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفدهم، شماره۳۳، صص.۱۸۱-۲۰۰، ۱۴۰۱ش.
۱۶. همو و مریم، سلگی، اعتبارسنجی نقد متن در مطالعات قرآنی مستشرقان (با تأکید بر رویکرد جیمز بلمی و لوکسنبرگ)، بی‌جا، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، چاپ اول، ۱۴۰۲ش.
۱۷. انصاری مقدّم، مجتبی، احمد، زارع زردینی و علی محمّد، میر جلیلی، تحلیل "تصریف معنا " در قرآن کریم؛ مطالعه موردی: تصریف کلمات، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات علوم قرآن، سال پنجم، شماره اوّل، پیاپی ۱۵، صص. ۱۱- ۳۹، ۱۴۰۲ش.
۱۸. بیلکار، محمدسعید، محمّدجواد، ورادی اصفهانی و نهله، غروی نائینی، نقد مناقشات متنی خاورشناسان درباره سه آیه آخر سوره قارعه: از ادّعای افزونه بودن تا قرائت جدید، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۲، صص. ۱۷۵-۲۰۲، ۱۴۰۲ش.
۱۹. جزینی، غلامعلی و حسن، رضایی هفتادر، تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی درباره آیه ۸۸ سوره زخرف، دو فصلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، سال دهم، شماره ۱۹، صص. ۱۱۸-۱۴۷، ۱۴۰۱ش.
۲۰. جلالی کندری، سهیلا و مهدیه، کیان مهر، بررسی یکسان پنداری شعیب در قرآن و اشعیاء در کتاب مقدس، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲۲، صص. ۳۱-۵۰، ۱۳۹۸ش.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حمّاد، الصّحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطّار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۲۲. حاجی اسماعیلی، محمّدرضا، بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نـزول تـا تسـبیع قراءات، مطالعات اسلامی شماره ۶۸، صص. ۴۵-۶۷، ۱۳۸۴ش.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمّد بن عبدا...، المستدرک علی الصّحیحین، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۸ق.
۲۴. خوش منش، ابوالفضل و نوشین، اله مرادی، ارتباط معنایی واژگان اشتقاق اکبر در قرآن (علـل و آثـار و بررسـی نمونه‌ها)، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره پنجاه و ششم، شماره اوّل، صص. ۱۹۳-۲۱۸، ۱۴۰۲ش.
۲۵. ذهبی، محمّد بن احمد بن عثمان، تذکرة الحفّاظ، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیـل عیتـانی، بیـروت: دارالمعرفـه، ۱۴۲۲ق.
۲۷. رجبی قدسی، محسن، فرزانه، اکبرپناه بیلندی و مرتضی، حاتمی نسب، بررسی قرائت ابیّ بـن کعـب، دو فصـلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص. ۱۱۹-۱۴۶، ۱۳۹۹ش.
۲۸. همو، رسم المصحف؛ ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها، فصلنامه علمی- ترویجی مشکوه (نشریه بنیاد پـژوهش‌هـای اسـلامی آستان قدس رضوی)، دوره ۲۸، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۰۴، صص. ۱۸-۴۶، ۱۳۸۸ش.
۲۹. ریاحی‌مهر، باقر، تحلیل انتقادی دیدگاه اصلاحی جیمز بلمی درباره واژه "جِبت" با رویکـرد تفاسـیر فـریقین، دو فصلنامه مطالعات تفسیر تطبیقی، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص. ۲۳۶-۲۵۷، ۱۴۰۳ش.
۳۰. زمخشری، جارالله، الکشّاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجـوه التأویـل، بیـروت: دارالکتـاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۱. سجستانی، ابوبکر بن ابی داود، کتاب المصاحف، مصر: المطبعه الرّحمانیه، ۱۳۵۵ق.
۳۲. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه موسّسه نشر فهرستگان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۳۳. شرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، تهران: منظمه الاوقـاف و الشـؤون الخیریـه، دار الأسـوه للطباعه و النشر، ۱۳۸۰ش.
۳۴. طباطبایی، سیدکاظم و محسن، رجبی قدسی، بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نـزول قـرآن بـر هفـت حرف، دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات فهم حدیث، سال اوّل، شماره اوّل، پیاپی۱، صص. ۶۵-۹۳، ۱۳۹۳ش.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قـم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۳۷. طبری، ابوجعفر محمّد بن جریر، جامع البیان عن تأویل‌ای القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۳۹. طوسی، محمّدبن حسن، التّبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التّراث العربی، بی‌تا.
۴۰. فاضلی، محمدتقی، تحلیل انتقادی دیدگاه اصلاحی جیمز بلمی درباره واژه‌هـای "أبّـاً"، "لَمَّـا" و "جِبـت"، قـرآن پژوهی (قرآن و مستشرقان)، سال ۲۰، شماره ۳۸، صص. ۱۶۱-۱۹۲، ۱۴۰۴ش.
۴۱. فرّاء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، معانی القرآن، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۰م.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۳. فرزانه، بابک، حصب جهنّم: بررسی معناشناختی واژه "حَصَب" در قرآن، صحیفه مبین، شـماره ۴۹، صـص. ۹۹-۱۱۲، ۱۳۹۰ش.
۴۴. فقهی‌زاده، عبدالهادی و حسام، امامی دانالو، مسجّل پیشنهادی ناصحیح و غیرعالمانه، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۴، صص. ۱۱۵-۱۲۸، ۱۳۹۳ش.
۴۵. قدّوری الحمد، غانم، رسم الخطّ مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، قم: اسوه، ۱۳۷۶ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۴۶. قربانی، فهیمه، کبری، خسروی و علی، نظری، معناشناسی تاریخی توصیفی واژه ریح در قرآن کـریم، دو فصـلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، سال هفتم، شماره اوّل، شماره پیاپی۱۳، صص.۱۹-۴۴، ۱۳۹۷ش.
۴۷. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۴۸. معرفت، محمّدهادی، التّمهید فی علوم القرآن، قم: موسّسه فرهنگی انتشاراتی التّمهید، ۱۴۲۸ق.
۴۹. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دارإحیاء التّراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۵۱. میرزایی، احمد، مجید، معارف و بهزاد، حمیدیه، نقد و بررسی سندی و دلالی روایت امیرالمؤمنین مبنی بـر وجـود اغلاط متنی در قرآن کریم، مجله علمی پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال پنجاه و سوم، شماره۲، صص.۴۸۷-۵۰۵، ۱۳۹۹ش.
۵۲. ناصر معدلی، فاطمه و مجید، معارف، بررسی انتقادی اصلاح واژه "اترک" در سوره دخان توسط جیمز بلمـی، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی‌خاورشناسان، سال هجدهم، شماره ۳۵، صص.۲۰۳-۲۳۲، ۱۴۰۲ش.
۵۳. نصیری، علی، عوامل پیدایش اختلاف قرائات، بیّنات، سال هفتم، شماره ۲۶، صص. ۶۶-۷۹، ۱۳۷۹ش.
۵۴. نوروزی، زهرا، مجید، معارف و سیداحمد، میریان، تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در مورد واژه جایگزین برای لغت "الجبت" در آیه ۵۱ سوره نساء، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۴، صص. ۱۵۷-۱۸۱، ۱۴۰۳ش.
55. Bellamy, James A., “Some Proposed Emendations to the Text of the Koran”, Journal of the American Oriental Society, VOL.113, no.4, pp. 562-573, 1993.
56. id., “Textual Criticism of the Koran”, Journal of the American Oriental Society, Vol. 121, No. 1, pp. 1-6, 2001.
57. Nejat Bakhsh, Alireza and Davod, Esmaeili, “Critique and Analysis of James Bellamy's Views in the Article "Some Proposed Amendments to the Text of the Koran"”, Linguistic Research in the Holy Quran, Vol. 12, No. 2, pp. 133-148, 2023.
58. Rabin, Ch., “Ancient West Arabian”, London: Taylor's Foreign Press, 1951.
59. Shahmoradi, Robab and Seyyed Majid, Nabavi, “The Review of the Proposed Words of James Bellamy in Verse 52 of Surah Hajj and Verse 32 of Surah Abasa”, International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding, VOL. 6, no.3, pp. 660-672, 2019.
60. https://corpuscoranicum.de/

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]